

الهام از کتاب انقلاب سفید

راه میان بر

تمام محاسن یک انقلاب بدون مضار احتمالی آن

نوشته: صمد نامور



چهره درخشان تاریخ در ششم بهمن ۱۳۴۱

مطالبی که در این جزوه ملاحظه میشود قبلا در روزنامه مهر ایران منعکس شده است .
الهام بخش ما در نوشتن این مقالات کتاب بزرگ و تاریخی انقلاب سفید میباشد . شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید درباره تحولات اخیر ایران و راه آینده بحث دقیق فرموده اند . کتاب نامبرده نه تنها منعکس کننده چگونگی انقلاب تاریخی ایران است بلکه نمودار و نشان دهنده روش تازه ای به جهانیان میباشد ، در حقیقت میتوان گفت کتاب انقلاب سفید راهنمای راه میانبری است که میتواند کشور ها را با سرعت بسر منزل توفیق و ترقی برساند و مللی که بخواهند نقشه های انقلابی خود را بدون مضار و آثار منفی بمرحله اجرا در آورند بعد از این خواهند توانست از راهی که ایران با سلامت گذشته است بگذرند و از تجربیات ایران بهره مند گردند .

اگر چه در باره انقلاب تاریخی ایران مقالات زیادی نوشته شده است ولی بعقیده ما این انقلاب بقدری مهم است که جا دارد بیش از اینها در اطراف آن قلم فرسائی شود برای نشان دادن اهمیت انقلاب ایران ضروری است بین پیشرفتهای اخیر ایران و پیشرفتهائی که در سایر نقاط جهان حاصل شده است مقایسه ای بشود تا مردم سرزمین ما بدانند چه کار عظیم و استثنائی انجام گردیده است . در اجرای این امر اقداماتی از طرف نویسنده شده که ناتمام میباشد چون این کار جنبه تحقیقی دارد لذا پس از مطالعات لازم اقدام بانتشار آن خواهد شد

صمد نامور

● صلاحیت تدوین منشوری که اصول انقلاب را روشن کند با رهبرانقلاب بود

اصلاحات وسیع اجتماعی - سازندگی اقتصادی توأم با اقتصاد دموکراتیک - پیشرفتهای فرهنگی - همکاریهای بین‌المللی - احترام بمعتقدات معنوی و به آزادیهای فردی و اجتماعی .
برنامه‌کار آینده ایران

● مفهوم همکاری بین‌المللی

يك پادشاه واقعی کیست ؟
نظریه‌گریستن‌سن دانشمند بزرگ و ایران‌شناس معروف دانمارکی

● اصول پنجگانه برای تامین زندگی مردم در چه شرایطی اعلام شد ؟

انقلاب بهمن ۱۳۴۱ بایک جهش به تمام تناقض‌های اجتماعی و به تمام جنبه‌های ارتجاعی که موجب جلوگیری از پیشرفت مردم ایران بود خاتمه داد .

● خصوصیات اخلاقی مردم ایران و اثرات آن در انقلاب

اصول انقلاب ایران طوری استادانه پی‌ریزی شد که با روح مردم سازگار باشد .

● سیاست مستقل ملی ایران

اثرات سیاست مستقل ملی ایران در تفاهم بین‌المللی - نقش یاری کننده ایران در جهت ایجاد هماهنگی سیاسی شرق و غرب .
مشکل اساسی تفاهم بین‌المللی چیست ؟
اثرات منطقه‌ای و جهانی سیاست مستقل ملی ایران .
شناخت حقوق واقعی افراد بشر از طرف يك انسان بزرگ و متفکر

● اقتصاد دموکراتیک ، تجلی سیاست مستقل ایران

در اقتصاد دموکراتیک استعداد های فردی و جمعی می‌توانند در مسیر صحیح و حساب شده بکارافتند .
عوامی که اجتماع رادوچار عدم تعادل میکند در اقتصاد دموکراتیک محکوم است .
تجسم ایده آل بشریت در مورد تامین زندگی يك انسان .
نقش بیمه‌های اجتماعی و شرکتهای تعاونی در اقتصاد دموکراتیک .

● وظیفه مطبوعات بعد از انقلاب

آنهائیکه دانسته یا نادانسته انقلاب عظیم و تاریخی ایران را يك رفرم ساده و معمولی می پندارند راه اشتباه می پیمایند .
هر قدر مطبوعات ایران پیرامون اصول انقلاب قلمفرسائی کنند باز کم است .
آنچه در مملکت ماشده است يك کار عظیم و استثنائی است .

● وظیفه احزاب سیاسی پس از انقلاب

در شرایط کنونی راه احزاب سیاسی ایران روشن است .
آیا يك حزب سیاسی می‌تواند در شرایط کنونی برنامه مترقی تری از آنچه در کتاب انقلاب سفید بدان اشاره شده ارائه دهد ؟
عده کثیری از روستائیان کشور ما از اهمیت کاری که انجام گردیده بی اطلاع هستند .
مفاد کتاب انقلاب سفید باید توسط کادر های حزبی به روستائیان تفهیم شود .

صلاحیت تدوین منشوری که اصول انقلاب را

روشن کند با رهبر انقلاب بود

«اصلاحات وسیع اجتماعی - سازندگی اقتصادی توأم با اقتصاد دموکراتیک - پیشرفتهای فرهنگی - همکاری - یهای بین‌المللی - احترام بمعتقدات معنوی و به آزادیهای فردی و اجتماعی»

برنامه‌گار آینده ایران

انقلاباتی که تاکنون در جهان بوقوع پیوسته اگر هم بانرزش وملاحظه کاری توأم بوده معهذا عكس العمل‌هائی دربرداشته است زیرا دگرگونی يك اجتماع زمانی که جنبه انقلابی داشته باشد مسلما عكس العمل‌هائی ایجادمینماید واین امر قطعی است. ازطرف دیگر اصلاحات و رفرم‌های عادی که برای پیشبرد يك اجتماع بوسیله دولتهاو مسئولین امور میشود چون جنبه عمیق و دگرگونی ندارد آنطور که انتظار میرود ثمربخش نیست؛ دلیل آن واضح است زیرا تا شالوده وزیربنای يك اجتماع تکان نخورد وزیرسازی صحیح ومحكمی بعمل نیاید ایجاد يك بنای نومشکل خواهد بود.

اصلاحات ظاهری هر قدر هم بادقت وملاحظه همراه باشد نتیجه صحیح بدست نخواهد داد بنا براین برای رسیدن به هدفهای انقلابی باید واقعا دگرگونی صورت بگیرد وهما نظوریکه اشاره شد انقلاب چون عموما با خشونت همراه است آثار وظواهری خواهد داشت که میتوان آنرا واکنش انقلاب دانست.

این واکنش‌ها عبارتند از : خون‌ریزی - نابسامانی وحتى بی‌عدالتی که پدیده انقلاب خشن هستند .

پس اگر راه‌سومی وجود داشته باشد که مضاری بیارنیاورد راه صحیح و عاقلانه‌ای برای رسیدن ملتها به هدفهای انقلابی است. البته قدم گذاشتن در راه سوم جسارت و همت و دوراندیشی و وسعت دید لازم دارد. انقلاب سفید ایران این راه نو را که راه میان‌بر باید نامیده شود بوجود آورد .

انقلاب سفید ایران انقلابی است که دارای تمام محاسن يك انقلاب واقعی میباشد بدون مضار احتمالی آن.

این کارآسانی نیست که اجتماعی تکان بخورد ، اجتماعی زیرورو بشود ولی خون از دماغ کسی جاری نگردد .

این کار ساده‌ای نیست که انقلاب ارضی در مملکتی که فئودالیسم قرن‌ها ریشه دوانده بشود ولی اولین سال بعد از انقلاب تولید رو به افزایش رود . فکر عالی ، سیاست صحیح ، حسن نیت کامل ، احاطه به جوانب امر ، محبوبیت و شایستگی ، جلب اعتماد عمومی ، همه اینها از شرائطی هستند که باید ایجادکننده و رهبر چنین انقلابی دارا باشد. فقط یک نفر میتواند در این راه سهل و ممتنع باشجاعت قدم بردارد و پیروز شود و آن یک نفر هم شخص محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر است .

به دلایل این امر توجه بفرمائید :

برای عملی ساختن نقشه‌های انقلاب سفید ایران قبل از هر چیز جلب پشتیبانی ملت لازم بود و اجرای این مهم جز از طرف شاهنشاه آریامهر عملی نبود ؛ تنها کسی که توانائی داشت با اعلام اصول انقلاب در بهمن ۱۳۴۱ آراء اکثریت قریب باتفاق مردم ایران را در حمایت از اصول اعلام شده جلب نماید شخص معظم‌له بودند . عامل دیگری که در انقلاب ایران لازم بود به حساب آید نیروی انتظامی مملکت بود زیرا برای رسیدن به هدفهای انقلاب همکاری و همگامی نیروی

انتظامی عامل مهمی بشمار میرفت در این مورد جز شخص شاهنشاه آریامهر که سمت واقعی و قانونی بزرگ آرتشتاران را نیز دارند شخص دیگری نمیتوانست موجب این نزدیکی و همکاری بشود.

از مسائلی که يك انقلاب را به نتیجه میرساند اینست که انقلاب حساب شده باشد یعنی در شرائط خاص و در موقعیت مناسب آغاز گردد و تشخیص این امر کار هر سیاستمداری نیست. هیچ سیاستمداری در ایران نمیتواند ادعا کند که تجربه و استعداد سیاسی شخص شاهنشاه را دارد و اگر کسی این ادعا را بکند ادعای ناصحیحی است.

این تجربه سیاسی به آسانی برای شخص شاهنشاهما بدست نیامده بلکه غیر از نبوغ ذاتی که زمینه اصلی این هوشیاری سیاسی است بازاء آن بیست و پنج سال از بهترین سنین معظم له در مقابله با حوادث و تماسهای سیاسی گذشته است. يك نکته راهم باید به نکات فوق اضافه نمائیم و آن اینست که رهبر هر انقلاب باید در اتخاذ تصمیم شجاعت داشته باشد و در ادامه راهی که در آن گام نهاده سرسخت باشد و این صفت ارزنده راهمه کس ندارد. آیا بنظر شما در شجاعت شخص شاهنشاه کوچکترین تردیدی میتوان کرد؟

به اتفاقات و تحریکاتی که در طی مدت سلطنت شاهنشاه آریامهر وجود داشته بنگریم؛ آیا جز يك انسان بنام معنی شجاع کسی دیگر قادر بود از روی این حوادث با چنین کاردانی و خونسردی بگذرد؟ مسلماً خیر.

بعقیده همه آنها یک کتاب انقلاب سفید را به دقت خوانده اند هر جمله ای از آن کتاب دارای اهمیت خاصی است و جادارد سطر سطر کتاب انقلاب سفید که در حقیقت هادی و راهنمای سیاست ایران و نمودار راه آینده وطن ما است تجزیه و تحلیل شود.

نویسنده توانا و عالیقدر کتاب انقلاب سفید در مقدمه چنین مرقوم داشته اند :

«... انقلاب اجتماعی عظیمی در ایران صورت گرفته که وضع جامعه ما را بکلی دگرگون کرده

است و کتاب حاضر را بدین منظور مینویسم که اصول این انقلابی را که منشور اجتماع آینده ما خواهد بود روشن کرده باشم ..»

روی کلمه به کلمه جملات بالا دقت بفرمائید آنچه از آن استنباط میشود يك دنیا مطلب است بدون شك انقلاب اجتماعی عظیمی که در ایران صورت گرفت وضع مملکت ما را بکلی دگرگون کرد؛ قیافه اجتماع ما عوض شد؛ راه ناهموار و تاریکی که در آن قدم برمیداشتیم روشن و هموار گردید و دورنمایی از آینده با سعادت از افق نمودار شد. برای اینکه به سر منزل مقصود به سلامت برسیم و در راهی که بانور انقلاب سفید ایران روشن گردید دوچار سوانح و انحرافات نشویم وره روان راه یعنی ملت ایران بتواند با نظم و ترتیب و با کمال دقت بسوی آینده روشن خود قدم بردارند لازم بنظر میرسد منشوری بعنوان هادی و راهنمای روندگان تدوین گردد.

صلاحیت و شایستگی تدوین این منشور با کسی بود که بتواند با دور اندیشی و درایت و اطلاعات و احاطه به محیط و ناهمواریها، دامها و نیرنگها را که در کمین روندگان وجود دارد بشناسد. رهبر انقلاب ایران که تنها فرد صالح برای ارائه راه آینده بودند این منشور را تدوین و در کتاب انقلاب سفید آنرا به جهان عرضه فرمودند.

شاهنشاه آریامهر در کتاب خود به اصول برنامه کار آینده مملکت اشاره میفرماید و این اصول عبارتند از: اصلاحات وسیع اجتماعی، سازندگی اقتصادی توأم با اقتصاد دموکراتیک، پیشرفتهای فرهنگی، همکاری بین المللی، احترام به معتقدات معنوی و به آزادیهای فردی و اجتماعی.

درباره هریک از اصول نامبرده که شاهنشاه آنها را محور کار آینده مملکت قرار داده اند باید بتفصیل بحث شود.

پایه اولیه اصلاحات اجتماعی با اعلام اصول نه گانه انقلاب ایران بنا گردید و هر روز که میگذرد با اقدامات درخشانی که در زمینه های مختلف اجتماع میشود این بنا تکمیل تر میگردد.

این نکته را باید متذکر شد که اصلاحات اجتماعی همانطوری که شاهنشاه اشاره فرموده اند دامنه وسیعی دارد و حدمعینی نمیتوان برای آن قائل شد زیرا پیشرفتهای اجتماعی ملل روی هم تاثیر دارند باید اذعان کنیم ملت ما در زمینه اصلاحات اجتماعی، طی چند سال اخیر بقدری با سرعت گام برداشته است که هم اکنون در شمار مرقی ترین ملل جهان از نظر پیشرفتهای اجتماعی قرار گرفته است.

اصل دیگری که شاهنشاه بدان اشاره فرموده اند سازندگی اقتصادی توام با اقتصاد دموکراتیک است.

(در جای خود نسبت به این اصل بسیار مهم بحث خواهیم کرد.)
اجازه بفرمائید پیرامون پیشرفتهای فرهنگی که یکی از اصول برنامه کار آینده ایران قرار دارد بحث مختصری بشود.

این نکته مورد قبول هست که ترقیات فرهنگی يك ملت اثرات بسیار زیادی در پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی آن ملت دارد.
لازم به توضیح نیست پیشرفتهای فرهنگی رابطه مستقیم با ترقی سطح فرهنگ عمومی دارد.

برای رسیدن به هدف نامبرده بامر شاهنشاه فعالیت های دامنهداری در زمینه مبارزه با بیسوادی در ایران شروع گردیده تا جائیکه در سطح بین المللی این مبارزه کشیده شده است و اقدامات ارزنده و نقش تاریخی شاهنشاه ما در امر مبارزه جهانی با بیسوادی محافل فرهنگی بین المللی را تحت تاثیر قرار داده است.
شده ایست.

تاثیر پیشرفتهای فرهنگی در پیشرفتهای اقتصادی نیز مسئله حل اگر مملکتی نتواند بموازات اجرای برنامه های توسعه اقتصادی برنامه توسعه فرهنگی را عملی نماید دچار مشکلات خواهد شد.

زیرا نیروی انسانی در پیشبرد اقتصاد يك مملکت نقش موثری دارد و

انسانهایی درپیشبرد برنامه‌های اقتصادی موثر میتوانند باشند که با اسلحه‌دانش و تخصص و اطلاع مسلح باشند والا ابزارکاری را که فاقد اطلاع و فهم باشد نمیتوان بعنوان نیروی انسانی بمعنی صحیح به حساب آورد .

ازطرفی پیشرفت‌های فرهنگی و ترقیات اجتماعی روی هم تاثیرمتقابل دارند زیرا هر قدر زمینه ترقیات اجتماعی بیشتر فراهم باشد پیشرفتهای فرهنگی بیشتر است و هر اندازه پیشرفتهای فرهنگی سریعتر باشد ترقیات اجتماعی بیشتر نمودار خواهد بود .

مفهوم همکاری بین المللی

يك پادشاه واقعی کیست ؟

نظریه کریستن سن دانشمند بزرگ و ایران شناس معروف
دانمارکی

همکاری بین المللی یکی از اصولی است که در کتاب انقلاب سفید مورد توجه شاهنشاه آریامهر قرار گرفته است .

مفهومی که از این جمله کوتاه استنباط میشود دامنه وسیعی دارد . برای پی بردن به معنی صحیح آن باید با اقدامات و سیاست ایران در شرائط کنونی توجه کرد گمان میکنیم تفسیری مناسبتر از ملاحظه کوششها و فعالیتهای ایران در راه همکاریهای بین المللی نباشد .

نه تنها سیاست فعلی ایران در تایید و تقویت سازمان ملل متحد است بلکه در موارد خاص مملکت ما با عرضه نمودن پیشنهادات مهم و ابتکاری خود زمینه تفاهم بیشتر بین المللی را فراهم مینماید نمونه این اقدامات برافراشتن پرچم مبارزه با بیسوادی در جهان و دعوت وزرای فرهنگ ممالك مختلف بمنظور تشکیل کنفرانس مبارزه با بیسوادی و همچنین پرداخت يك روز هزینه دفاعی به یونسکو میباشد .

آمادگی برای راهنمایی کادر تعلیماتی سپاه دانش در ممالك دیگر خود قدمی است در راه ایجاد تفاهم بین المللی و نمونه ای است از سیاست عاقلانه و صحیح ایران که بر اساس همکاری بین المللی استوار گردیده است .

اصل دیگری که در کتاب انقلاب سفید ضمن اصول برنامه کار آینده ایران ذکر شده :

اصل احترام بمعتقدات معنوی و آزادی‌های فردی و اجتماعی است. برای تشریح این اصل مهم که در حقیقت پایه و اساس حکومت دموکراسی بمعنی واقعی است باید بیشتر بحث کنیم .

اگرچه قرن بیستم قرن ترقیات مادی است ولی هر قدر ماشینیسیم توسعه یابد و هرچه ظواهر ترقیات مادی بزندگی بشر سایه افکند باز احتیاج به معنویت وجود دارد .

حکومت‌هایی که سعی کردند انسان را به ماشین بی‌روحی تبدیل نمایند در عمل دچار شکست شدند .

اشاره شاهنشاه آریامهر به این موضوع نه تنها بمنظور تقویت پایه های دموکراسی در ایران است بلکه با تمایل و خواسته بشریت تطبیق مینماید . شاهنشاه آریامهر به آزادیهای فردی و اجتماعی نیز اشاره فرموده‌اند. تعمیم این اصل در حکم تضمین حکومت بمعنی واقعی دموکراسی است ، زیرا آزادیهای فردی و اجتماعی در رژیم‌هایی که برمحور دموکراسی قرار گرفته خواسته مردم است و اشاره شاهنشاه باین امر نشان دهنده و نمودار علاقه باطنی معظم‌له به حمایت از اصول دموکراسی است .

همانطور که قبلاً اشاره کردیم پیرامون هر سطر از کتاب انقلاب سفید میتوان بتفصیل بحث نمود .

ولی چون قصد داریم که از تمام کتاب نکاتی را ذکر و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم کوتاه و کلی بی‌بحث ادامه میدهیم .

اینک اجازه فرمائید گفته کریستن سن دانشمند و ایران‌شناس معروف دنامارکی را که در کتاب انقلاب سفید از نامبرده نقل قول شده است در اینجا ذکر کنیم این گفته اوست :

« يك پادشاه واقعی در ایران فقط يك رئیس مملکت نیست بلکه در درجه اول يك معلم و يك مرشد است کسی است که نه تنها برای ملت خود

راه و پل و سد و قنات می‌سازد بلکه روح و اندیشه
و قلب مردم را رهبری میکند»

موقعیت جغرافیائی و اجتماعی و خصوصیات اخلاقی و نژادی هیچ
يك از ممالك جهان با ایران قابل مقایسه نیست.

طی قرون متمادی مردم این مملکت دوست داشته‌اند که بالای
سر خود سایه پادشاهی را به بینند.
دوست داشته‌اند او امر و فرمان‌های پادشاه را اطاعت کنند.
دوست داشته‌اند آرزوهای قلبی و باطنی خود را از زبان پادشاه
خود بشوند.

بهمین مناسبت وقتی يك پادشاه در ایران توانسته است تمایلات و
خواسته‌های ملت خود را درك کند ترقیات ایران با سرعت باور نکردنی رو-
بفزونی نهاده‌است. ایران‌شناس معروف دانمارکی با توجه به این حقیقت و مطالعه
تاریخ ایران به این نتیجه رسیده است که يك پادشاه واقعی در ایران نه تنها
رئیس سیاسی مملکت است بلکه يك معلم و يك مرشد می باشد زیرا روح و
اندیشه مردم را رهبری میکند.

رهبری اندیشه و روح يك ملت تنها برای کسی میسر است که بتواند
با نفوذ معنوی و واقعی به اعماق دلها دست یابد و از نیروی معنوی در جهت
ایجاد کارهای عظیم و خلاقه استفاده نماید.

جای انکار نیست از این نیروی بزرگ میتوان انقلابها بوجود آورد
انقلابی که بر محور حسن قبول و تأیید دلها است کما اینکه در انقلاب سفید
ایران اجتماع مازیرو رو شد ولی کمتر قلب و دلی آزرده گشت؛ در انقلاب سفید
ایران منافع عده‌ای فدای منافع اکثریت شد ولی عکس العملی مشاهده نگردید.
برای اجرای اصول انقلاب سفید ایران شکنجه و عذاب و ناراحتی نصیب کسی
یا طبقه‌ای نشد.

این را نفوذ معنوی و رهبری اندیشه و روح يك ملت می‌نامند و
این هنر از عهده سیاستمداران عادی خارج است و فقط پادشاهی واقعی می-
تواند به آن جامه عمل بپوشاند.

اصول پنج گانه برای تامین حداقل زندگی مردم در چه شرایطی اعلام شد؟

انقلاب بهمن ۱۳۴۱ با يك جهش به تمام تناقضهای
اجتماعی و بتمام جنبه‌های ارتجاعی که موجب جلو-
گیری از پیشرفت مردم ایران بود خاتمه داد.

زمانی که هنوز جنگ دوم خاتمه نیافته بود؛ زمانی که دولتهادر ایران
باتکاء نفوذ خارجی روی کار می آمدند؛ زمانی که اکثر نمایندگان مجلس و
سیاستمداران برای تثبیت موقعیت خویش راه ناصواب می‌پیمودند و هرکس
بفکر خود بود و کمتر دولتی در اندیشه چاره‌جویی و تسکین آلام عمومی بود؛
در چنین شرایطی شاهنشاه آریامهر مصادف با دومین سال سلطنت
ضمن فرمایشات تاریخی پنج‌اصل را توصیه فرمودند.

این پنج اصل عبارت بودند:

بهداشت برای همه - خوراك برای همه - پوشاك برای همه - مسكن برای همه
فرهنگ برای همه.

شاهنشاه در کتاب انقلاب سفید عللی را که موجب گردید اصول پنج-
گانه فوق اعلام شود اینطور توجیه می‌فرماید:

«... در مدتی که کشور ما دوران اسف انگیز
انحطاط و تنزل خود را می‌گذرانید، دنیای متمدنی
با سرعت بجانب تعمیم دانش و استقرار اصول
بهداشت دسته‌جمعی و بیمه‌های گوناگون اجتماعی

و تاسیس انجمن‌های وسیع خیریه در مقیاس
مملکتی پیش میرفت و متأسفانه ما در همان موقع
دچار بدترین نوع فئودالیسم و بیسوادی و بی
خبری مطلق از دنیا بودیم و روز بروز بر تعداد
فقیران و بیماران و بیسوادان کشورمان افزوده
میشد ...»

این بود انگیزه‌ای که موجب گردید شاهنشاه آریامهر در شرایط آشفته
آن روز که گوش‌های سیاستمداران به شنیدن حرف‌های عمیق عادت نداشت،
اصول پنج‌گانه را برای تأمین حداقل زندگی مردم ایران اعلام فرمایند.
این امر از آن جهت مهم است که نشان میدهد شاهنشاه ما از همان
ابتدای سلطنت خود معتقد با اصولی بودند که بتواند جامعه ایران را بر اساس
اجرای عدالت اجتماعی تغییر دهد بنابراین ملاحظه میکنیم ریشه انقلاب بهمن
۱۳۴۱ تا چه اندازه عمیق بوده است.

شاهنشاه آریامهر طی چندین سال سلطنت خود مکرر به دولتها اجرای
اصول نامبرده را متذکر میشدند ولی همانطوریکه خودشان ضمن کتاب انقلاب
سفید بدان اشاره فرموده‌اند دادن سرمشق شخصی و نصیحت و ارشاد و توسل
به طرق عادی پارلمانی هیچکدام نتیجه مطلوب را نمی‌بخشید و ارتجاع سیاه
و قوای مخرب سرخ برای جلوگیری از پیشرفت واقعی متحد بودند.
درست در اوقاتی که سیاستمداران ایران فارغ از تحولات گیتی پنبه
در گوش نموده و مثل کبک سرخود رادر برف فرو کرده بودند و قایمی بسرعت
در جهان میگذاشت اقداماتی بمنظور کم کردن فاصله‌های طبقاتی در نقاط
مختلف دنیا بعمل می‌آمد.

شاهنشاه در این باره چنین مرقوم فرموده‌اند :

«... ما میدیدیم که دنیای مترقی در تحت هر
رژیمی که هست اصول واحدی را رعایت می‌کند
و آن تولید هرچه بیشتر برای توزیع هرچه
بہتر ثروت بین افراد ملت است ...»

در اکثر کشورهایی که رهبران آن خواستار پیشرفت و ترقی جامعه بودند يك اساس مورد قبول قرار داشت و آن این بود که امتیازات و تبعیض های طبقاتی با پیشرفت و رشد فکری اجتماعی و علمی و صنعتی امروز، تضاد داشت و قابل قبول نبود.

نویسنده ارجمند در کتاب انقلاب سفید به شکست اصل برتری نژاد که نتیجه جنگ بین المللی دوم بود اشاره فرموده و متذکر شده اند که اصل برتری نژاد با خونین ترین جنگ تاریخ جهان برای همیشه شکست خورد و جای خود را بمنشور ملل متحد که اساس آن حق برخورداری مساوی کلیه نژادها و ملتها و مذاهب و افراد از حقوق طبیعی انسانی است داد.

چاره منحصر کدام بود؟

وقایعی که در جهان میگذشت و تحولاتی که در اجتماعات مختلف گیتی پی در پی بوجود می آمد، ذهن شاهنشاه بزرگ ما را مشغول میداشت که راه چاره یی بیندیشند در این باره معظم له باصراحت اظهار نظر فرموده اند:

«... برای کشور و ملت ما چاره ای جز این نبود که اگر بخواهد در زمره ممالک زنده و مترقی و مستقل جهان باقی بماند شالوده اجتماعی کهن را زیر و رو کند و آینده خویش را براساس اجتماع تازه ای که با مقتضیات و احتیاجات دنیای امروز هماهنگی داشته باشد پی ریزی نماید..»

اینها بودند عواملی که موجب انقلاب عمیق و اساسی ایران گردید و در جملاتی پرمعنی، منعکس شد که:

«... در يك زمان و با يك جهش بتمام تناقضهای اجتماعی و همه عواملی که باعث بیعدالتی و ظلم و استثمار میشود و همچنین بتمام جنبه های ارتجاعی که مایه جلوگیری از پیشرفت و ممد عقب افتادگی است خاتمه دهد..»

خصوصیات اخلاقی مردم ایران و اثرات آن در انقلاب

اصول انقلاب ایران طوری استنادنه پی ریزی شد که
با روح مردم ایران سازگار باشد

بسیاری از سیاستمداران و دانشمندان بزرگ اجتماع عقاید سیاسی و اجتماعی خود را در قالب عبارات و کلمات قابل قبول عرضه کرده اند.

پاره ای از رهبران بزرگ گیتی نیز راه حل هایی برای ترقی و سعادت ملت های خود پیشنهاد کرده اند ولی بندرت در تاریخ جهان سابقه داشته است که این نظریات و تئوری های اجتماعی خوب و سالم پیاده شود. چه بسیار فرضیه های صحیح و قابل قبول وقتی خواسته است جامه عمل بپوشد مواجه با دشواریها و عکس العمل های نامساعد گردیده است در نتیجه آنچه از آب درآمده غیر از آنچه نوشته و فرض شده، بوده است.

به همین مناسبت تاریخ افرادی را که توانسته اند نظریات و فلسفه اجتماعی خود را عملی سازند کمتر دیده است.

انقلاب سفید ایران انقلابی بود که با هیچیک از تئوری های انقلابی دنیا قابل مقایسه نبود انقلابی بود که تمام عوامل مثبت يك انقلاب واقعی را دربر داشت ولی آنچه را که زائیده يك انقلاب حاد است و خواهی نخواهی اجتماع و افراد را دچار نابسامانی مینماید نداشت.

انقلاب سفید ایران انقلابی بود صد درصد ایرانی و با خصوصیات اخلاقی و فکری مردم ایران کاملاً تطبیق میکرد.

یکی از خصوصیات اخلاقی مردم ایران که کمتر مردمی از جهان آنرا دارا هستند حس اعتماد به شاه است این حس اعتماد در کمتر ملتی از ملل جهان وجود دارد و اگر هم وجود داشته باشد وقتی که تضاد با منافع مادی پیدا می کند سست می گردد ولی صفحات تاریخ ایران نمودار این حقیقت است که هر زمان شاه ایران توصیه و امری کرده است مردم با جان و دل آنرا قبول کرده اند.

یکی دیگر از خصوصیات اخلاقی مردم ایران حس گذشت است . گذشت نسبت به هموطن خود و حتی گذشت نسبت با افراد خارجی، گمان نمی رود کسی منکر این واقعیت باشد که ایرانی از منافع مادی خود بخاطر ارضاء حس غرور می گذرد.

در صورتی که در سایر ملت ها این خصوصیت اخلاقی کمتر وجود دارد به همین دلیل وقتی در میان ملتی زمینه دگرگونی و تحول ایجاد میشود هر طبقه برای حفظ منافع خود سرسختی و لجاجت نشان میدهد زیرا حاضر بگذشت نیست در نتیجه برخوردهای شدید بوجود می آید که آنرا واکنش های انقلاب بایند نامید .

شایستگی در رهبری انقلاب سفید ایران از آن جهت بود که رهبر ارجمند انقلاب ایران با توجه به خصوصیات اخلاقی و فکری مردم، انقلاب را برپایه روش مسالمت آمیز قراردادند .

در عین حال مبانی و اصول انقلاب طوری استادانه پی ریزی شده که با روح مردم ایران سازگار باشد. شاهنشاه آریامهر در مورد فلسفه و روح این انقلاب چنین فرموده اند :

«... این انقلاب در درجه اول يك انقلاب

ایرانی و منطبق با روح و سنن ایران بود .

ما این انقلاب را بصورت يك كالای وارداتی

تحويل ملت ندادیم زیرا اصولا شأن ملت ما که

خود در طول هزاران سال خلاق فکر و فلسفه

و منطق بوده است این نیست که در این مورد

جامه عاریت دیگران را برتن کند .
ما راهبانی براساس نبوغ ایرانی و بادن
نظرگرفتن تمام اصول ذکر شده اتخاذ کرده
بودیم که طبعاً در آن‌ها از تجارب مفید دیگران
استفاده شده بود ولی بخصوص هر قسمت از آن
که لازم بود ابداع خودما بود .»

سیاست مستقل ملی ایران

اثرات سیاست مستقل ملی ایران در تفاهم بین‌المللی .
نقش یاری‌کننده ایران در جهت ایجاد هماهنگی
سیاسی شرق و غرب .
مشکل اساسی تفاهم بین‌المللی چیست ؟
اثرات منطقه‌ای و جهانی سیاست ملی ایران .
اثرات سیاست ناصحیح‌ممالکی که موجب اختلاف و سوء
تفاهم هستند در سیاست جهانی و سیاست منطقه‌ای .
تأثیر سیاست اقتصادی ایران در بازرگانی بین‌المللی .
شناخت حقوق واقعی افراد بشر از طرف يك انسان
بزرگ و متفکر

سیاست مستقل ملی ایران یکی از پدیده‌های مهم انقلاب سفید ایران
است .
شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید، آنجا که بتجزیه و تحلیل آثار
انقلاب پرداخته‌اند ، چنین اشاره می‌فرمایند:

«... سیاست جهانی هر کشور با اصول و
ایدئولوژی داخلی آن وابستگی کامل دارد و در
واقع خط‌مشی هر کشور بر اساس اصول و موازینی
تعیین میشود که سیاست داخلی آن را اداره میکند.»

تصور نمیرود بهتر و گویاتر از چند جمله‌ای که نقل شد بتوان جملاتی
پیدا کرد که نشان دهنده ارتباط و همبستگی سیاست خارجی با انقلاب ایران باشد

بدون شك مملكتی می تواند در صحنه بین المللی روش مستقل و محکم پیش گیرد که دستگاه رهبری آن مملکت متکی به افکار عمومی و برخورداری از حمایت اکثریت مردم سرزمین خود باشد در غیر این صورت تصمیماتی که در جهت سیاست خارجی اتخاذ شود بر اثر تزلزل موقعیت داخلی بی پایه و سست جلوه خواهد کرد .

انقلاب، زمینه استحکام سیاست خارجی ما را بیش از هر موقع دیگر فراهم کرد هم اکنون استحکام سیاست خارجی مملکت ما بدان پایه رسیده است که آنچه رهبر ملت ایران میگوید همان خواست حقیقی و نیت باطنی مردم است . از طرفی روح صلح طلبی و واقع بینی مردم ایران به دستگاه رهبری مملکت امکان داد که خطوط اصلی سیاست خارجی ایران را در جهت تفاهم با کلیه کشورها بدون در نظر گرفتن سیستمهای حکومتی آنها تعیین کند .

تفکر صحیح و اندیشه رسای رهبر حقیقت بین ایران با الهام از خواستهای ملت ایران موجب آن گردید نه تنها سیاست مستقل ملی ایران بجهان عرضه شود بلکه يك ترسیاسی نو به دنیا معرفی گردد و راهی هموار برای رهنوردی ممالکی که آرزوی اتخاذ سیاست مستقل ملی دارند بوجود آید .

روشی که ایران در سیاست خارجی با صراحت و شجاعت اتخاذ نمود برای آن عده از کشورهایی که با تردید و دو دلی چنین روشی مینگریستند فرصت مناسبی بود که آنها نیز از آنچه ایران کرده است پیروی کنند . باید قبول کنیم در بین ممالك دنیا رهبرانی هستند که مدعی اجرای سیاست مستقل ملی هستند ولی عملاً در راه گسستن رشته های مودت و دوستی بین ملتها سعی فراوان میکنند .

بدیهی است آثار اتخاذ چنین روشی و لودر قالب سیاست مستقل ملی باشد برای مردم آن سرزمین بهیچ وجه مفید نیست . سیاستی که بعضی از رهبران ممالك بعنوان سیاست مستقل اتخاذ کرده اند وزیر لوای این سیاست به آتش اختلاف بین کشورها دامن میزنند و تحریک و توهین به ملتها را جزو برنامه کار اصلی قرار داده اند نباید سیاست مستقل ملی تلقی شود زیرا آنچه از این نوع

سیاست برای مردم آن سرزمین بیار می آید خسارت، نگرانی مداوم، ایجاد ناهمواری در راه اجرای برنامه های توسعه اقتصادی است.

اما مملکت ایران در شرائط فعلی اعلام کننده سیاست صحیح مستقل ملی است و افتخار دارد که نه تنها با تش اختلاف کشورها دامن نمی زند و بتحریر مملکتی علیه مملکت دیگر نمی پردازد بلکه در راه رفع سوء تفاهات بین المللی قدم برمی دارد.

بدانچه که در طی چند سال اخیر در زمینه ایجاد تفاهم بین المللی از طرف ایران بعمل آمده توجه کنید اذعان خواهید کرد که روشی که ایران بعنوان سیاست مستقل ملی اعلام کرده يك روش سیاسی تازه و كاملا صحیحی است که اثرات آن در ایجاد همکاریهای بین المللی نمودار است.

روش سیاسی ایران که نشان دهنده سیاست مستقل ملی ایران است نه تنها فاصله شرق و غرب را اضافه نمی کند بلکه این دو نیروی جهانی را در جهت ایجاد يك هماهنگی سیاسی یاری میدهد. بهمین مناسبت احترام ایران در صحنه های سیاست جهانی تا بدان پایه رسیده است که نمایندگان دول گیتی برای نظرات نمایندگان ایران ارزش و اهمیت فراوان قائلند.

با در نظر گرفتن این نکته که زمان کوتاهی است که سیاست مستقل ملی ایران بجهان عرضه شده است مع هذا ملاحظه می کنیم که در کنفرانسهای بین المللی نمایندگان ایران نقش حساس و ارزنده ای دارند.

فعالیت های جهانی ایران مخصوصا اقدام بسیار پر ارزش شخص شاهنشاه ایران که در راه تعمیم و توسعه فرهنگ جهان و پایه گذاری يك سازمان بین المللی مبارزه علیه بیسوادی صورت گرفت، خود یکی از مظاهر و تجلیات مکتب جدید سیاسی ایران است که بدنیای منقلب فعلی بعنوان سیاست مستقل ملی ایران عرضه گردیده است.

سیاست مستقل ملی ایران که بر محور همزیستی مسالمت آمیز و تفاهم بین المللی بدون توجه به رژیم و سیستم های حکومتی ممالك اتخاذ شده است اثرات بسیار مفیدی در سیاست جهانی میگذارد.

توسعه تفاهم بین‌المللی و ارتباط آن با اصلاحات اساسی داخلی هر ملت نکته‌ایست که در کتاب انقلاب سفید بدان اشاره شده است.

اگر هر ملتی بتواند آزادانه برای پیشرفت وضع اقتصادی خود قدم بردارد و نقشه‌های اصلاحی مملکت خود را مطابق میل و مقتضیات داخلی خود تنظیم نماید بدون شك مسائل مورد اختلاف که محیط سیاست بین‌المللی را تیره میسازد کمتر بوجود خواهد آمد.

اعلام سیاست مستقل ملی ایران که خود نشان دهنده نظریه سیاسی نوی در جهان است در حقیقت اعلام يك رسالت تاریخی است.

رهبر ملت ما در مسافرت‌های اخیر خود چندین بار در مراکز فرهنگی و دانشگاهی پیرامون سیاست مستقل ملی مطالبی بسمع جهانیان رسانیده‌اند همچنین در فصل آخر کتاب انقلاب سفید مشروحا در اطراف هدف‌های عالی ایران در زمینه سیاست بین‌المللی بحث فرموده‌اند.

معظم‌له مشکل اساسی عصر حاضر را در گریز از افکار و سنت‌های ناصحیح گذشته میدانند و در این مورد چنین می‌فرمایند:

«... لازمه همزیستی و تفاهم جهانی این است که همه دستگاه‌های حکومتی خود را با شرایط و مقتضیات اجتناب ناپذیر عصر جدید تطبیق دهند.

مشکل اساسی عصر حاضر در واقع فهم مسائل تازه نیست بلکه گریز از افکار و سنت‌های ناصحیح گذشته است.»

اگر عده‌ای تصور نمایند که روش صحیح و عاقلانه ایران اثرات چندانی در سیاست بین‌المللی ندارد پنداری به غلط دارند. بدون شك نظریه جدید ایران در سیاست جهانی اثرات قاطع و امیدوارکننده دارد.

این حقیقت را باید قبول کنیم که سرنوشت کشورها بایکدیگر وابستگی عمیق دارند.

يك واقعه سياسى در يك نقطه‌ای از جهان روى حوادث سياسى بين‌المللى اثر ميگذارد .

هر قدمی که در جهت ایجاد تفاهم بين‌المللى برداشته شود ولو هر قدر هم کوتاه و ناچیز باشد انعکاس اثرات بين‌المللى آن چند برابر خواهد بود . همانطور که ایجاد اختلاف و سوء تفاهم در يك نقطه‌ای از جهان در سياست بين‌المللى انعکاس چند برابر نیز خواهد داشت .

مثال انداختن سنك ریزه‌ای در يك استخر و پیدایش امواج ناشی از ضربه مثال مناسبی است برای نشان دادن این حقیقت که هر عمل مفید و غیر مفید در يك نقطه‌ای از جهان عکس‌العملی چند برابر در سياست جهانی خواهد داشت .

بنابر این فعالیت سياسى ایران که نمودار سياست مستقل ملی است گذشته از اثرات منطقه‌ای که دارد انعکاس و اثراتی چند برابر در سياست بين‌المللى خواهد داشت همانطور که ناصحیح‌ممالکی که موجب اختلاف و سوء تفاهم هستند اثراتی چندین برابر آنچه جنبه محلی دارد در سياست بين‌المللى دارد .

اثرات اقتصادی سياست مستقل ملی ایران در بازرگانی و سياست بين‌المللى نیز مهم و قابل ملاحظه است .

رفع اختلاف فاحش بين سطح زندگی کشورهای مختلف جهان و وجود شکاف عمیق بين ملل غنی و ملل فقیر موضوعی است که همواره ذهن شاهنشاه آریامهر را بخود جلب نموده است و بارها در سخنرانیهای خودشان به این موضوع مهم اشاره فرموده اند .

استنباط از مفهوم حقوق افراد بشر مطلب بسیار عمیقی بود که در دانشگاه بخارست از طرف شاهنشاه عنوان گردید .

«مترقی‌ترین قوانینی که در ممالك دموکراتیک غرب برای شناخت حقوق افراد بشر وجود دارد بر اساس رعایت حقوق سياسى و قضائى است در صورتیکه در جهان ما حقوق سياسى بدون حقوق اجتماعى و عدالت قضائى بدون عدالت اجتماعى و دموکراسى سياسى بدون دموکراسى اقتصادى مفهوم واقعی ندارد.»

این تفسیر صحیح و در عین حال انقلابی که از شناخت حقوق افراد بشر توسط يك انسان بزرگ و متفکر برای اولین بار به جهان عرضه می شد روشنفکران جهان را تحت تاثیر قرارداد .

در جهت اثبات این عقده عالی و پیرارج بود که ایران توانست باب تازه ای در سیاست اقتصادی خود بگشاید .

راهی که ایران در تجارت بین المللی بوجود آورد ، اثرات بسیار عمیقی در سیاست اقتصادی بین المللی گذاشت .

نحوه انعقاد قراردادهای ایران با ممالك جهان در زمینه مبادلات بازرگانی سنت های دیرین گذشته را که بر محور حفظ منافع دولت های بزرگ بود متزلزل کرد و این نظریه جدید که روابط بازرگانی بین المللی باید بر اساس ارزش دادن به منافع طبیعی ممالك باشد عرضه شد ؛ بعبارت دیگر منافع طبیعی در سرمایه گذاری مورد قبول قرار گرفت. تا قبل از نمودار شدن سیاست مستقل ملی ایران این حقیقت که منابع طبیعی يك مملکت میتواند بعنوان سرمایه واقعی بحساب آید برای گردانندگان سیاست بازرگانی بین المللی قابل هضم نبود .

اعلام نظریه جدید ایران خط بطلانی بروی سیاست نامطلوبی که بر بازرگانی ممالك غیر متمدنی سایه افکنده بود کشید . مرز هائی که توسط کمپانی های بزرگ به دور ممالك صاحب منابع طبیعی بوجود آمده بود ، با اعلام سیاست مستقل ملی ایران از میان رفت. اصل برقراری انحصار در منابع طبیعی ممالك کم رشد که مهمترین اثر آن متزلزل کردن سیاست مستقل این کشورها بود متزلزل گردید .

اگرچه سازمان ملل متحد متوجه نامطلوب بودن سیاست انحصار طلبی هست و بمنظور گستن این شیوه ناپسند به تشکیل کنفرانسائی مبادرت کرده است ولی تا زمانیکه سازمان ملل متحد برای اعمال نظریات خود ضمانت اجرا نداشته باشد این تصمیمات و کنفرانسها نمیتواند اساس کهنه گذشته را درهم ریزد مگر اینکه مملکتی قد علم کند و قلم بطلان روی این روش ناصحیح بکشد. اعمال سیاست اقتصادی ایران که بر اساس سیاست مستقل ملی استوار

است زمینه مساعدی برای کشورهای نظیر کشور ایران فراهم کرده که آنها نیز جرات کنند قیود گذشته را پاره کرده و راه مصلحت ملی را اختیار کنند.

ما هم اکنون شاهد اثرات این سیاست در ممالک دیگر هستیم و میبینیم آنها نیز تحت تاثیر سیاست صحیح ایران سنتهای دیرین را زیر پا گذاشته، و برای حفظ منافع ملی خود، تا آنجا که امکانات بآنها اجازه میدهد بر پا خاسته اند نه تنها ایران بسمالك در حال پیشرفت خدمت کرد بلکه ابراز نظریه جدید ایران زمینه را برای ایجاد يك تفاهم و هماهنگی بین المللی در رشته های مختلف فراهم نمود؛ اینکه در داد و ستدهای بین المللی تنها طلا و ارز ملاک سرمایه گذاری نباشد؛ اینکه افزایش سطح زندگی ملل غیر مترقی عملا و نه لفظا مورد توجه قرار گیرد؛ اینکه کشورهای در حال پیشرفت جهان برای اجرای هدفهای اقتصادی خود از همه امکانات مساعد بهره برداری و استفاده کنند؛ اینکه دلایلهای بین المللی واسطه ارتباطات اقتصادی کشورها نباشند، و بالاخره اینکه منابع طبیعی کشوری به صورت يك سرمایه مستقل در محاسبات بازرگانی و سرمایه گذاری قابل قبول شمرده شود همه از نتایج اعمال سیاست اقتصادی ایران است.

جا دارد این حقیقت را که شاهنشاه آریامهر چند بار بدان اشاره فرموده اند باز گو کنیم که دموکراسی سیاسی بدون دموکراسی اقتصادی مفهومی ندارد.

اقتصاد دموکراتیک، تجلی سیاست مستقل ملی

دراقتصاد دموکراتیک استعدادهای فردی و جمعی
میتوانند درمسیر صحیح و حساب شده بکار افتند .
عواملی که اجتماع را دوچار عدم تعادل میکند در
اقتصاد دموکراتیک محکوم شده است
نقش بیمه‌های اجتماعی وشرکتهای تعاونی در اقتصاد
دموکراتیک .
تجسم ایدآل بشریت درمورد تامین زندگی يك انسان

درمورد بیمه‌های اجتماعی شاهنشاه آریامهر درکتاب انقلاب سفید
به نکاتی اشاره فرموده‌اند که با اجرای آن نه تنها جامعه ایرانی در شمار جوامع
مترقی قرار خواهد گرفت بلکه درجهان بصورت نمونه درخواهد آمد .
توصیه شاهنشاه بزرگ ما به دنیا این است که سرنوشت افراد بشر از هنگامیکه
دیده باز میکند تا زمانیکه دیده فرومی بندد ، از راه انواع بیمه‌ها از قبیل بیمه
تحصیل - بیمه‌های بیماری - بیمه‌های حوادث و اتفاقات - بیمه‌های بازنشستگی
و کھولت و غیره تامین شود. وبطور قطع این منتهای ایدآل بشریت درمورد
تامین زندگی يك انسان است.

همچنین برای نمودار ساختن نقش ارزنده شرکتهای تعاونی در اقتصاد
دموکراتیک و اهمیت تعمیم آن رساتر و گویاتر از آنچه شاهنشاه ما درکتاب
انقلاب سفید بدان اشاره فرموده‌اند نمیتوان مطلبی عنوان کرد.
اهمیت نقش شرکتهای تعاونی در يك اقتصاد سالم بدین دلیل است که

امر تولید و توزیع و فروش محصولات در شرکت‌های تعاونی با همکاری عموم اعضا انجام میشود و نظارت در این شرکتها بعلت حاکم نبودن سرمایه بنحوبسیار دموکراتیک انجام میگردد و محور پیدایش شرکت‌های تعاونی خدمت است نه سود. شرکت‌های تعاونی از هر قبیل که باشند (تولید- توزیع- مصرف) در بهبود زندگی افراد يك جامعه در حال پیشرفت موثر خواهند بود بدون شك هر قدر دامنه بیمه‌های اجتماعی و شرکت‌های تعاونی در ایران توسعه یابد، نتایج انقلاب ایران بهتر نمودار خواهد گردید شرکت‌های تعاونی در حقیقت اهرمی است که می تواند اقتصاد يك کشور را در مسیر دموکراتیک قرار دهد. هر نوع واسطه‌ای که بین تولید کننده و مصرف کننده بوجود بیاید که حرکت قیمتها را بر مدار منافع شخصی تغییر دهد غیر معقول و مضرست و راه اقتصاد دموکراتیک را ناهموار خواهد ساخت.

گذشته از منافی که شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف در زندگی اقتصادی تولید کنندگان و مصرف کنندگان دارند وجود شرکت‌های تعاونی توزیع که در حقیقت يك ترازه وجدیدی است که در ایران عرضه میشود بنوبه خود کمال اهمیت را دارد زیرا اگر بین تولید و مصرف پل محکم و استواری بوجود نیاید فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف در جهت تثبیت نرخ متزلزل میشود هر تولید کننده باید با قیمت ثابت مواجه باشد در غیر این صورت اساس کار تولید بر نوسان قیمت قرار گرفته و استحکامی نخواهد داشت.

از طرفی مصرف کننده نیز باید تابع يك اصول صحیح و حساب شده باشد و امیال شخصی نباید اساس شرکت‌های تعاونی را متزلزل کند بهمین منظور تعاونی های توزیع میتوانند بین تعاونی تولید و تعاونی مصرف تعادل ایجاد کنند.

بطور کلی در اقتصاد دموکراتیک آنچه بیش از همه مورد توجه است مسئله تامین زندگی مردم بر محور اجرای عدالت اجتماعی است و تحقق این هدف با توسعه بیمه های اجتماعی و شرکت های تعاونی میسر خواهد بود و این حقیقتی است که بطور صریح و گویا در کتاب انقلاب سفید بدان اشاره شده است.

بدون شك اقتصاد دموكراتيك يكي از تجليات ومظاهر سياست مستقل
ملی ما است .

دموكراسی سیاسی از دموكراسی اقتصادی جدانیست و درحقیقت
این هردومكمل یكدیگرنند .

مسئله حفظ آزادیهای سیاسی و حمایت از فعالیتهای فردی و دسته
جمعی با توجه به طرد نمودن عوامل استثماراری از نکاتی است که ضمن تشریح
اصل اقتصاد دموكراتيك در کتاب انقلاب سفید بدان اشاره شده است .

اگر مملکت ما بخواهد در صحنه سیاست بین المللی راه مستقل خود را
ادامه دهد وب عنوان يك کشور مترقی و دموكرات شناخته شود ، باید اقتصاد
خود را نیز هماهنگ سیاست مستقل خود نماید واینراه جز راه اجرای اقتصاد
دموكراتيك راه دیگری نمیتواند باشد .

دراقتصاد دموكراتيك امکانات بطور معقول دراختیار افراد و جمعیتها
است و نتیجه وضعی آن اینست که استعدادهای فردی و جمعی میتوانند در
مسیر صحیح وحساب شده بکار افتند بدون این که از نتیجه فعالیتهای آنها
اجتماع دچار زیان وعدم تعادل بشود .

مسئله انحصار و وجود عوامل استثماراری که میتوانند خطراتی برای
جامعه ایجاد نمایند دراقتصاد دموكراتيك حل شده است .

فرق نمیکند استثمار فردی بهمان اندازه ناصحیح وموجب عدم تعادل
اجتماعی است که استثمار دولتی میباشد همچنین استثماراری که توسط یکی
از طبقات اجتماع بر علیه طبقات دیگر بشود نیز بنوبه خود غیر معقول و یکی از
عوامل ایجاد عدم عدالت اجتماعی است .

اگر در جامعه ای این هدف مورد نظر باشد که برای رشد استعداد های
فردی و جمعی زمینه مساعد وجود داشته باشد و درعین حال از انحصار قرار
دادن کارها دردست عده ای معین پرهیز شود باید گفت آن جامعه توانسته است
عدالت اجتماعی را که منظور وهدف متفکرین ودانشمندان ودوستان
تعمیم عدالت واقعی در جهان است تامین نماید .

موضوع دوری‌گزیدن از عوامل استثماری در اقتصاد دموکراتیک که در کتاب انقلاب سفید نیز بدان اشاره شده است نکته بسیار دقیق و حساسی است .

همچنین کلید حل مسائل تولید و توزیع را که پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه هنوز نتوانسته‌اند به حل آن توفیق یابند باید در اقتصاد دموکراتیک جستجو کرد جلب اطمینان بخش خصوصی به امر سرمایه‌گذاری خود یکی از مشکلاتی است که کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند . در اقتصاد دموکراتیک حل این مشکل نیز بطور جدی مورد توجه است بهمین مناسبت جلب اعتماد افراد برای اشتغال بکار تولیدی و سرمایه‌گذاری در اقتصاد دموکراتیک امر مهمی تلقی میشود .

حل مشکل تامین زندگی افرادی که دوران کهولت خود را میگذرانند خود یکی از مسائل مهم و قابل توجه است شاید عراق نباشد اگر بگوئیم تامین زندگی افراد يك کشور در دوران فرسودگی یکی از عوامل اصلی اجرای عدالت اجتماعی است و در اقتصاد دموکراتیک این مسئله نیز مورد توجه است.

وظیفه مطبوعات بعد از انقلاب

آنهائیکه دانسته یا نادانسته انقلاب عظیم و تاریخی ایران را يك رفرم ساده و معمولی می‌پندارند راه اشتباه می‌پیمایند.

هر قدر مطبوعات ایران پیرامون اصول انقلاب قلم فرسائی نمایند باز کم است، زیرا آنچه در مملکت ما شده است يك کار عظیم و استثنائی است.

اینك مناسب خواهد بود اگر بوظیفه مطبوعات بعد از انقلاب نیز اشاره‌ای بکنیم.

این بحث بنوبه خود کمال اهمیت را دارد نه تنها در رژیم دموکراسی ایران، مطبوعات رل مهم و موثری دارند بلکه در تمام جهان مطبوعات منعکس کننده تحولات و پیشرفتهای ملل و نمودار تمایلات و خواستههای مردم میباشند بنابراین نقش مطبوعات در ترقی و پیشبرد اجتماع نقش حساس و ارزنده‌ایست.

به راهی که قبل از انقلاب ۱۳۴۱ مطبوعات ایران پیموده‌اند کاری نداریم زیرا این بحثی است بسیار مفصل و طولانی که باید با حوصله و دقت بسیار موشکافی شود.

منظور یادآوری وظیفه‌ایست که مطبوعات ایران بعد از انقلاب ۱۳۴۱ دارند.

عده‌ای در مملکت ماهستند که دانسته یا نادانسته انقلاب ایران را يك واقعه ساده و معمولی قلمداد میکنند.

آنهائیکه تمدا این نظریه را ابراز می‌دارند بی‌شك از اهمیت انقلاب

ودگرگونی ایران آگاهند ولی بعثت اغراض خصوصی وپیروی از سیاستهای ناصحیح و مخرب . انقلاب تاریخی و مهم ایران را يك رفرم معمولی جلوه میدهند و سعی دارند از اهمیت آن بکاهند این گروه که تعدادشان اندك است مسلما گناهکارند و مستوجب نکوهش ولی آنهائیکه از روی بی اطلاعی به اهمیت کاری که انجام شده واقف نیستند گناهی ندارند زیرا دید سیاسی و اجتماعی آنها محدود است و نمیتوانند محیط فعلی ایران را با محیط ممالك دیگر مقایسه نمایند و متاسفانه تعداد این گروه در مملکت ما نسبتا زیاد است . وظیفه ای که مطبوعات در شرایط کنونی دارند اینست که افراد بی-اطلاع و غیر مغرض را به اهمیت کاری که شده است آگاه نمایند .

بعقیده نویسنده هر قدر مطبوعات ایران پیرامون اصول انقلاب قلم فرسایی نمایند باز کم است زیرا آنچه در مملکت ما شده است يك کار عظیم و استثنائی است ؛ عظیم است از آن جهت که اجتماع ایران در اثر این انقلاب زیر و رو شد و شالوده ای محکم و استوار برای يك اجتماع مترقی پی ریزی گردید و استثنائی است ، از آن جهت که این تحول و دگرگونی بدون آثار منفی بوجود آمد .

برای آگاهی مردم لازم بنظر میرسد که مطبوعات، انقلاب تاریخی ایران را با تحولاتی که در سایر ممالك جهان بوجود آمده مقایسه کنند .

باید مردم مملکت ما مخصوصا کشاورز و کارگر ایرانی بدانند که هنوز در ممالك پیشرفته جهان که مدعی اجرای رفرم های عمیق اجتماعی و ارضی هستند خیلی از مسائل حل نشده در صورتیکه بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی ایران با اجرای اصول نه گانه انقلاب ایران حل گردیده است . باید مردم مملکت ما مخصوصا روستائینان بدانند در کمتر نقطه ای از جهان قضاوت و اجرای عدالت بدست روستائینان است

باید برای افرادی اطلاع که به اهمیت نقش سپاهیان دانش-بهداشت-ترویج- واقف نیستند تفهیم گردد که این کار در جهان بی سابقه است . شك نیست که پاره ای از مطبوعات ایران متوجه این مسئولیت مهم

هستند ولی تصور میرود بطور کلی این وظیفه آنطور که شایسته و لازم است انجام نشده است .

مطبوعات ایران برای اجرای این وظیفه مهم و مقدس باید با تمام امکانات و توانائی قیام نمایند اگر مردم مملکت ما بدانند که اجتماع فرسوده ایران با يك جهش تاریخی بدون خون ریزی و واکنش های تند به يك اجتماع متری و پیشرو تبدیل گردیده است ، و اگر کشاورزان و روستا نشینان سرزمین ما درك کنند که شرائط و امکاناتی که در مملکت ما برای پیشرفت و ترقی آنها وجود دارد بی سابقه است ، و اگر کارگران ما بفهمند قانون سهم شدن کارگران در منافع کارگاه در کمتر کشور پیشرفته جهان نظیر دارد مسلماً هیچ نیروئی قادر نخواهد بود بحقوق حقه ایران تجاوز نماید و وحدت ملی بمعنای حقیقی وجود خواهد داشت و بی گمان یکی از مظاهر این وحدت پشتیبانی دائمی از رژیم سلطنتی ایران و پیروی از اوامر پادشاهی است که دنیا او را یکی از مصلحین بزرگ جهان نامیده است .

وظیفه احزاب سیاسی پس از انقلاب

در شرائط کنونی راه احزاب سیاسی ایران روشن است .
آیا يك حزب سیاسی میتواند در شرائط کنونی برنامه
مترقی تری از آنچه در کتاب انقلاب سفید بدان اشاره
شد ارائه دهد ؟

عده کثیری از روستائیان کشور ما از اهمیت کاری که
انجام شده بی اطلاع هستند .
مفاد کتاب انقلاب سفید باید توسط کادرهای حزبی
به روستائیان تفهیم شود

سالها ملت ایران تشنه اصلاحات عمیق اجتماعی بود و آرزو داشت
روزی بتواند حیثیت تاریخی و سیاسی گذشته را بدست آورده و خود را در
شمارممالك مترقی و پیشرو جهان قرار دهد .

شاید احزاب سیاسی ایران نیز متوجه این تمایل ملی بودند ولی تحقق
بخشیدن به آرزوهای سیاسی و اجتماعی که خواست تمام ملت ایران بود برای
احزاب سیاسی ایران مقدور نبود .

برای انجام خواسته های ملی که جنبه انقلابی دارد وحدت ملی لازم
است و ایجاد هماهنگی ملی برای يك حزب سیاسی به تنهایی میسر نیست .
یکی از مشکلات احزاب سیاسی ایران تا قبل از انقلاب این بود که
گردانندگان احزاب حتی المقدور کوشش داشتند برنامه های خود را بطریقی
عرضه نمایند که امکان اجرای آن باشد و چون برنامه های اعلام شده با واقعیت
زمان تطبیق نمیگرد لذا زمینه پیشرفت حزب فراهم نیگردد .

بنابراین میتوان گفت احزاب سیاسی در ایران تا قبل از انقلاب بهمن ۱۳۴۱ نتوانستند نقش صحیح خود را تا حدیکه جوابگوی تمایلات ملی باشد ایفا کنند.

باید صریحا متذکر شویم که هیچ حزب سیاسی در ایران توانائی اجرای يك برنامه انقلاب ملی را نداشت و در حقیقت هیچ دسته سیاسی قادر نبود با آنچه خواسته و آرزوی ملت بود جامه عمل بپوشاند.

فقط يك مرجع ويك مقام می توانست به عمل بزرگ انقلاب ملی مبادرت نماید و این مقام جز مقام شامخ سلطنت مرجع دیگری نمیتوانست باشد. باین حقیقت باید اضافه کنیم رهبری صحیح و موقع شناسی نیز از عواملی بودند که لازم بود بحساب آید.

همه ما مشاهده کردیم که رهبری صحیح و موقع شناسی شاهنشاه آریامهر موجب موفقیت انقلاب بهمن ۱۳۴۱ گردید.

بنابراین میتوان گفت احزاب سیاسی ایران برای شروع انقلاب سفید ایران نقشی نداشته اند.

به بینیم وظیفه احزاب سیاسی پس از انقلاب چیست ؟

بطوریقین آنچه مشکلات در راه اجرای برنامه های احزاب سیاسی در ایران وجود داشت با انقلاب بهمن ۱۳۴۱ بکلی ازمیان رفت. منشور انقلاب ایران که توسط رهبر عالیقدر آن تدوین گردید خود راهنما و نشان دهنده راهی است که احزاب سیاسی ایران باید طی نمایند.

در شرائط کنونی لازم بنظر نمیرسد که رهبران فکری احزاب سیاسی ایران کوشش نمایند هدف های حزب خود را بمقتضای تحولات جهانی تغییر دهند زیرا آنچه لازمه تطبیق موقعیت ایران با تحولات جهانی بود توسط رهبر بزرگ انقلاب سفید ایران انجام شد.

در شرائط فعلی تکلیف احزاب سیاسی ایران با انتشار منشور انقلاب روشن است حتی راه وصول به هدفهای آینده نیز از طرف تدوین کننده منشور انقلاب ترسیم گردیده است.

وظیفه‌ای که احزاب سیاسی دارند اینست که برنامه‌های خود را طوری تنظیم نمایند که با سرعت بیشتر در راهی که بخوبی روشن و واضح است حرکت نمایند.

برای يك حزب سیاسی چه نوع مسائلی مطرح است ؟

تصور میکنیم که مسائلی از قبیل : مسائل اجتماعی - سیاسی - فرهنگی کشاورزی - اقتصادی - قضائی - خارجی، برای احزاب سیاسی قابل طرح هستند. در کتاب انقلاب سفید کلیه مسائلی که بدان اشاره شده مورد بررسی دقیق قرار گرفته است.

در حقیقت میتوان گفت احزاب سیاسی ایران پس از انقلاب بهمن ۱۳۴۱ برای رسیدن به هدفهای خود راه دشواری ندارند حتی الگوی بحثها و تحقیقات کمیسیونهای حزبی آماده است یعنی چهارچوب این بحثها و تحقیقات معلوم است. دیگر لازم بنظر نمیرسد که احزاب برای پیدا کردن سیاست صحیح اقتصادی مملکت نظریه تازه‌ای را ابراز نمایند.

زیرا سیاست کلی اقتصادی ایران که برمحور سیاست مستقل ملی پایه گذاری شده و در حقیقت سیاست اقتصاد دموکراتیک است بطور مفصل در کتاب انقلاب سفید تشریح شده است.

کادرهای متفکر احزاب سیاسی ایران براساس تز اعلام شده میتوانند راه صحیح ترقیات اقتصادی ایران را پیدا نمایند و برنامه‌های خود را طوری تنظیم کنند که با سرعت هرچه تمامتر در آن راه روشن قدم بردارند.

برای اتخاذ سیاست صحیح خارجی در شرایط کنونی لازم نیست احزاب سیاسی ایران به راههای مختلف که گاهی هم ناهموار و گمراه کننده است بروند زیرا در منشور انقلاب ایران تحت عنوان (انقلاب ایران و سیاست جهانی‌ما) سیاست خارجی ایران بطور دقیق بررسی شده و خطوط اصلی يك سیاست خارجی محکم و استوار ترسیم گردیده است.

برای ایجاد تحول در زندگی کشاورز ایرانی چاره اندیشی شده و آنچه

امکانات زمان و مکان اجازه میداده است بموجب اصل اول انقلاب ایران عملی گردیده است .

هدف شاهنشاه آریامهر ما درمورد کشاورزان اینست که درآمد سرانه کشاورز ایرانی با درآمد کشاورزیکه در پیشرفته ترین ممالك دنیا زندگی میکند تطبیق نماید .

بنابراین با نمودار بودن آینده روشن کشاورزان ایرانی وظیفه احزاب ایران این خواهد بود که تلاش خود را برای رسیدن به دورنمایی که شاهنشاه مجسم فرموده اند بکار برند .

متساوی الحقوق کردن زن و مرد در ایران که یکی از آرزوهای افراد مترقی ایران بود نیز عملی گردید . وظیفه احزاب سیاسی در مورد اجرای اصل نامبرده اینست به برنامه‌هایی که موجب ترقی بیشتر زن ایرانی است کمک نمایند . همگامی و همراهی با تشکیلات مترقی زنان کشور یکی از وظائف حتمی احزاب سیاسی ایران پس از انقلاب میباشد .

درمورد مسائل مربوط به توسعه فرهنگ که محور آن اجرای برنامه مبارزه با بیسوادی است اقدامات درخشانی در ایران شروع گردیده که تا سطح بین‌المللی کشیده شده و هم اکنون بصورت جنبش جهانی درآمدہ است . تشکیل سپاه دانش که یکی از اصول انقلاب و بمنظور ریشه‌کن کردن بیسوادی در روستاهای ایران بوجود آمد از اهم اقدامات وسیع فرهنگی است که در ایران عملی گردید .

با توجه باین حقیقت که شالوده اساسی فرهنگ انقلابی ایران و همچنین ریشه‌کن کردن بیسوادی ریخته شده است اقدام احزاب سیاسی درچنین مورد جز هماهنگی و تایید آنچه بعنوان اصول انقلاب فرهنگی اعلام شده چه میتواند باشد ؟

احزاب سیاسی وظیفه دارند امکانات خود را درجهت اجرای صحیح برنامه مبارزه با بیسوادی بکاربرند . و در بزرگداشت پیش‌آهنگان فرهنگ کشور که در روستاها مشغول خدمت و توسعه فرهنگ هستند بکوشند تا

سپاهیان دانش امیدوارتر از پیش برای تحقق بخشیدن بآرزوهای ملی ما که یکی از آنها با سواد شدن همه مردم ایران است تلاش نمایند . آنچه انقلاب ایران برای بهبود وضع کارگران بوجود آورده است بسیار مهم و ارزنده میباشد .

اگر بعضی از احزاب سیاسی جهان بمقتضای روش سیاسی خود خواستار حقوق بیشتری برای کارگران بوده و مدعی باشند که هدف آنها تامین خواسته‌های طبقه کارگر است باید اذعان کنند که درمقام مقایسه ، ایران برتر و جلوتر قدم برداشته است . زیرا آنچه را که احزاب سیاسی ظاهراً تندرو خواستار آن بوده و یا هستند درانقلاب تاریخی بهمن ۱۳۴۱ بهتر و مفید تر از آن در ایران انجام شده است درمحیط ایران برای اولین بار آنچه مکمل نظریات و خواسته‌های اصلاحی کارگران بود براساس یکی از اصول انقلاب انجام پذیرفت .

درعین حساس بودن قانون سهمیم کردن کارگران در سود کارخانجات ملاحظه شد که بامر سرمایه گذاری لطمه‌ای وارد نگردید و دراجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی تزلزلی حاصل نشد .

هنوز در بعضی از ممالک دنیا که مدعی هستند حقوق کارگران در آنجا بحد مورد نظر تامین شده است مسئله سهمیم شدن کارگران در منافع کارگاه يك ايدآل است . در صورتیکه در مملکت ما بنابر یکی از اصول انقلاب منافع کارگران در سود کارخانجات تامین گردیده است .

آنچه را که ظاهراً هدف بعضی از احزاب سیاسی درباره امور کارگری بود عملاً بدست شخص شاهنشاه آریامهر در ایران انجام پذیرفت بدون آنکه اجرای آن متضمن زیانی برای سرمایه گذاری باشد .

وظیفه مهم احزاب سیاسی اینست که به کارگران ایران اهمیت کاری که بنفع آنها شده است تفهیم نمایند .

باید کارگران ایران بدانند که چه خدمتی به طبقه آنها شده است . باید کارگرایانی این واقعیت را بیش از پیش بدانند که هر قدر برنامه‌های

توسعه اقتصادی مملکت سریعتر اجرا شود و هر اندازه سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی بیشتر باشد زندگی آنها مرفه‌تر خواهد بود.

وظیفه احزاب سیاسی پس از انقلاب راهنمایی صحیح کارگران بمنظور بالا بردن سطح تولید و توسعه صنعت است تا جایی که مملکت ما در شمار ممالك صنعتی جهان قرار گیرد.

ایجاد تفاهم بین کارگر و کارفرما که یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی و گسترش امر سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی است از وظائف احزاب سیاسی است.

گمان نمی‌رود احزاب سیاسی ایران تا کنون برای گسترش عدالت در روستاها اقدامی کرده باشند و تصور نمی‌رود که در برنامه هیچ يك از احزاب سیاسی این موضوع قید شده باشد که قضاوت در روستاها بدست آنهاست باشد که حق را بحق‌دار میرسانند و رای خود را با انصاف و درخانه انصاف به طرفین دعوی می‌قبولانند باید اذعان کنیم که چنین برنامه انقلابی هدف هیچ يك از احزاب سیاسی ایران نبوده است.

اما مشاهده کردیم که با ایجاد خانه‌های انصاف یعنی اجرای اصل نهم انقلاب، عدالت در روستاهای ایران گسترش یافت.

در این باره وظیفه احزاب سیاسی اینست که بمردم روستاها بفهمانند که روستائیان ممالك دیگر دنیا از داشتن مراکز عدالت روستائی آنها بصورت خانه‌های انصاف محرومند.

وظیفه احزاب سیاسی ایران اینست که در راه تقویت خانه‌های انصاف کوشش نمایند تا مراکز عدالت روستائی یا عدل‌پهلوی هرچه بیشتر توسعه یابد. باید صریح بگوئیم که انقلاب سفید ایران از نقطه نظر تحولات جهانی نیز بسیار مهم و قابل ملاحظه است.

رهبران کشورها و سیاست‌مدارانی که به ایران آمده‌اند و از نزدیک نتایج انقلاب ایران را بررسی کرده‌اند اهمیت بین‌المللی انقلاب ایران را متذکر شده‌اند.

اگر در مملکت ما هنوز باشند اشخاصیکه با اهمیت کاری که انجام شده واقف نباشند اسباب تاسف است در اینصورت وظیفه اساسی احزاب اینست که اهمیت انقلاب را برای افرادی که آنرا درست درک نکرده اند تفهیم نمایند. احزاب سیاسی باید برای روستا نشینان مملکت راهنما باشند. باید کشاورزان ایران بدانند که هنوز در خیلی از ممالک مترقی جهان مسئله کشاورزی حل نشده وبصورت یکی از معضلات وجود دارد. باید کشاورزان ایرانی بدانند که بعضی از رهبران کشورهای جهان طالب تحولات ارضی در مملکت خود هستند ولی عملاً از اجرای آن عاجزند. باید دهقان ایرانی بخود بیالند که انقلاب ارضی در مملکت ما شد وبرخلاف نظریه بعضی از کارشناسان خارجی تولید نقصان پیدا نکرد. این مایه افتخار و سرافرازی است باید احزاب سیاسی برای مردم روستاها این نکات را روشن کنند تا هر فرد روستائی بداند که شاه مملکت برای آسایش وتأمین زندگی دهقان ایرانی چه اقدام بزرگ وتاریخی فرموده اند. باید فرد فرد مردم با ایمان و پاکدل روستاها شکر گزار باشند که در چنین محیط زندگی کرده وچنین پیشوائی دارند. یکی از اهم وظائف احزاب سیاسی که محور فعالیت آنها در روستاهاست اجرای همین نظر است. اگر احزاب سیاسی ایران با آنچه اشاره شد عمل کنند باید قبول کنیم که نقش خود را در راه بهتر به ثمر رساندن انقلاب ایران ایفا کرده اند.

صمد نامور

